

شاه نقاشبازی

مجموعه طرحها و نقاشی‌های ناصرالدین شاه قاجار



تحقیق و گردآوری: علی مرینی

سأه نقاساسی

آثار طراحي و نقاشی ناصرالدین شاه قاجار

تحقیق و کردآوری: علی مرخی

بامقدمه ای از: فاطمه قاضیا

نقاشان دربار و نقاشی ناصرالدین شاه قاجار

فاطمه قاضی‌بها، نقاشیهای ناصرالدین شاه، مجله: بخارا ۱۳۹۱

برای بررسی چگونگی نقاش شدن ناصرالدین شاه و میزان علاقه وی به این هنر، ناگزیر ابتدا باید نگاهی به نقاشان آن دوره بخصوص آنهایی که مورد توجه شاه بوده‌اند داشت زیرا شاه و اینگونه هنرمندان که در دربار وی جایگاه و منزلتی داشتند از یکدیگر متأثر بوده‌اند. اسناد و مدارک حاکی از آن هستند که ناصرالدین شاه قاجار از کودکی و نوجوانی به هنر و به ویژه، نقاشی علاقه وافری داشت، نقاشیهایی که از زمان ولیعهدی او در دست است، گویای این مدعاست، لذا پس از جلوس براریکه قدرت، امیرکبیر اولین صدراعظم وی با آگاهی از علاقه شاه جوان به هنر، در سال ۱۲۶۶ ق/ م ۱۸۵۰، برای ترویج هنر و صنعت "مجمع‌الصنایع" را که عبارت بزرگی بود در بازار بنا کرد، تا جایی دائمی برای تعلیم و تربیت شاگردان پیشه‌وران باشد. این مجمع مانند بسیاری از اقدامات او پس از قتلش به شهر رسیده و افتتاح گردید. مجمع‌الصنایع در سرای بزرگی در انتهای بازار توتون فروشان در جنوب غربی سبزه میدان قرار داشت، این سرای بزرگ حجره‌های فراوان داشت، که یکی از حجره‌های متعدد این سرای بزرگ، حجره «نقاشان» بود که ابوالحسن غفاری که در این زمان ابوالحسن خان نقاشباشی شده بود و تازه از فرنگ برگشته بود، با ۳۴ نفر از شاگردانش در آنجا بکار نقاشی اشتغال داشتند. شایان ذکر است که، ابوالحسن خان بنابر تمایلی که برای پیشرفت و تکامل هنر خود داشت در اواخر سلطنت محمدشاه (۱۲۶۳) به ایتالیا سفر کرد و آثار نقاشان بزرگ و معروف اروپایی بخصوص نقاشان دوره رنسانس را از نزدیک مشاهده و با طرز کار و شیوه نقاشی آنان آشنا گردید، و مدتی در هنرستانها و موزه‌های رم و فلورانس و واتیکان به تحصیل و مطالعه پرداخت. و چنانچه از بعضی نوشته‌ها معلوم و مشخص است این نقاش چیره دست حدود ۱۲۶۶ ه. ق. از سفر اروپا به وطن خود بازگشته است.

میرزا ابوالحسن خان نقاشباشی در سال ۱۲۷۷ از طرف ناصرالدین شاه ملقب به "صنیع‌الملک" گردید. پس از آن هنرستانی برای تعلیم نقاشی تأسیس نمود و مقدمات کار را طوری فراهم آورد که ناصرالدین شاه خود شخصا از محل مزبور بازدید و رسماً اجازه افتتاح هنرستان نقاشی و پذیرفتن شاگرد را صادر کرد. بدین سان به همت صنیع‌الملک نخستین هنرستان نقاشی دولتی برای تعلیم نقاشی به طرز و اسلوب جدید، در ایران تأسیس و با تربیت شاگردان و نقاشان مبرز در این رشته، فصل نوینی در تاریخ هنر و نقاشی ایران گشوده شد.

ناصرالدین شاه نیز شاگردانی را برای فراگیری هنر نقاشی به فرنگ اعزام نمود از آن جمله اند، مؤید الدوله گرانمایه و مشاورالملک محمودی که به پاریس اعزام شدند، یکی دیگر از نقاشانی که ناصرالدین شاه به اروپا اعزام نمود مزین‌الدوله است، میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نطنزی از جمله ۴۲ محصلی بود که در اوایل ریاست اعتضادالسلطنه در دوازده سالگی برای تکمیل تحصیلات به فرانسه اعزام شد، وی پس از بازگشت سالهای متعددی استاد نقاشی و معلم زبان فرانسه در دارالفنون بود.

بطور کلی در آن زمان هدف از اعزام نقاشان با استعداد به فرنگ، فراگیری سبک اروپایی بود تا این گروه از نقاشان ایرانی بتوانند این سبک نقاشی را در داخل کشور تعلیم بدهند دیگر نقاش دربار ناصرالدین شاه محمودخان ملک‌الشعرا بود که علاوه بر مقام ملک‌الشعرایی کارهای اداری نیز انجام می‌داد.

بعضی دیگر از نقاشان دربار ناصری عبارتند از:

- محمد حسن افشار در سالها ۱۲۵۰-۱۲۸۱ ق فعالیت هنری داشت او در دربار محمد شاه و ناصرالدین شاه نقاش باشی بود. از آثار برجسته محمد حسن افشار در ارتباط با ناصرالدین شاه سه پیکرنگاره از شاه است. محفوظ در تهران، کاخ گلستان.

-عبدالله خان، معمار باشی و نقاش باشی دربار فتح علی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه بود و در بین سالهای ۱۲۲۵-۱۲۶۶ ق فعالیت داشت.

-محمد اسماعیل از هنرمندان پرکار نقاشی لکی بر روی قلمدان و قاب آینه و صندوقچه بود و در شبیه سازی و رنگ پردازی و صفحه آرایی مهارتی تام داشت. محمد اسماعیل در سال ۱۲۷۵ ق از ناصرالدین شاه لقب نقاش باشی گرفت و این لقب را در آثار بعدی خود به کار برد.

محمد غفاری "کهال الملک" هم نیز در میان سایر شاگردان مزین الدوله در دارالفنون از همه مستعدتر و با ذوق تر بود و در مدت کوتاهی ترقیات فوق العاده نمود و استادش مزین الدوله از استعداد خارق العاده شاگرد خود نزد شاه تعریف می کرد.

به هر روی در طی قسمت آخر پادشاهی طو لانی ناصرالدین شاه فقط سه نقاش مورد توجه و التفات مخصوص قرار گرفتند:

اسماعیل جلایر - محمودخان ملک الشعرا - کهال الملک

اسماعیل جلایر که مقرب شاه بود، او هم در رنگ و روغن و هم مینیاتور چیره دست بود، وی از شاگردان مزین الدوله و پس از او نقاش باشی و مدرس نقاشی دارالفنون شد. اسماعیل جلایر در دارالفنون کارگاهی ایجاد کرد و در آن علاوه بر کشیدن پرده های نقاشی به تعلیم نقاشی به شاگردان نیز پرداخت.

دیگری محمودخان ملک الشعراست، وی در نقاشی سنتی و نو مهارت داشت و بخصوص در دورنمایی استاد بود، برخی از پرده های نقاشی او از قدرت خلاقیت و نوآوری او خبر می دهند، ملک الشعرا در نقاشی قدیم و جدید بخصوص در دورنمایی بسیار چیره بود. عمده آثار گرانقدر وی که در موزه کاخ گلستان نگهداری می شود شامل ۲۲ اثر است که بعضی از آنها عبارتند از:

- آبرنگ زیبا و استادانه قصر شمس العماره، تصویر عبارت گلستان، تابلو آبرنگ از کاخ گلستان، آبرنگ عبارت بادگیر، آبرنگ ارگ «ملتی»، منظره آبرنگی «تالار عاج»، مجلس «بزم و سرور

سلسله قاجاریه» و تابلوی استنساخ که مهمترین و ممتازترین اثر محمودخان است که تا حدی شهرت بین‌المللی دارد، این تابلوی یکی از نمونه‌های اولیه نقاشی مدرن ایرانی است.

و بالاخره کهال الملک یکی دیگر از سه نقاش مزبور است، که می‌توان وی را در زمره آن کسانی به حساب آورد که در جهت وصول به مقاصد و اهداف مترقی در جامعه بی‌توجه نبوده و برای ایجاد تسهیلات و امکانات برای رشد فضیلت و هنر و آگاهی، زمان را مغتنم شمرده، چنانچه از وی به عنوان انسانی پویا و علاقمند به اعتلای فرهنگ و هنر آن مقطع از تاریخ هنر ایران نام برده می‌شود. خود کهال الملک نقل می‌کند که هشت سال در دارالفنون بودم. شاه در عمارت شمس العماره اطماعی برای من معین کرد. بعد در عمارت بادگیر منزلی دادند و در آنجا مشغول نقاشی شدم. (در اطاق آینه و تخت طلاووس نقاشی می‌کردم) پنج سال آنجا کار می‌کردم... من که وارد دربار شدم ابتدای عظمت میرزا ابراهیم امین السلطان بود، مشیرالدوله و وزیر خارجه بود و کسی به نام صدراعظمی نبود.

بدین ترتیب با ورود به دربار، محمد غفاری بخت آن را یافت تا برای کوششهای بی‌وفقه و پی‌گیر خود در آموختن نقاشی کلاسیک اروپا از امکانات کامل برخوردار شود، نقاشی‌های ابتدایی او از مناظر و معماری درباری بود و بعدها به ساختن تنک چهره‌هایی از آدمهای همانجا پرداخت ناصرالدین شاه به منظور کسب آبروی پیشتر برای دربار، لقبهای «نقاشباشی» و کهال الملک و سپس لقب سرتیپی و ریاست سواره نظام ایالت قزوین را به او اهدا کرد و این دوره پربارترین دوران زندگی هنری کهال الملک به شمار آمده است زیرا در این دوره قریب به یکصد و هشتاد تابلو خلق کرده است که متأسفانه بیشتر آثار این دوره در دست نیست، یا از میان رفته و یا اینکه از ایران خارج گردیده است. استاد کهال الملک بارها گفته بود که مردم خیال می‌کنند چون ناصرالدین شاه به من حقوق و سهم و نشان داده من بدو علاقه دارم، ولی نه، ناصرالدین شاه بر من حق تربیت داشت، هر منظره عالی و یا گل زیبا و صورت خوبی می‌دید کسی را به سراغ من می‌فرستاد و تا آن منظره، گل یا صورت را به من نشان نمی‌داد و من از آن طرحی بر نمی‌داشتیم آرام نمی‌گرفت، و حتی گاه خود با دوربین بالای سر من ایستاده کوچکترین تعلل یا مسامحه مرا گوشزد می‌کرد و می‌گفت کهال الملک آن بوته گل [را] نساختی یا آن قطعه سنگ فراموش شده و باز کهال الملک نقل می‌کند که شاه تمثالها را به من محول می‌کرد (برای نقاشی) و هر تمثالی را ده تومان می‌گرفتم، با شاه قدری محرمیت داشتیم، شاه صورتهایی را که به من محول می‌کرد بکشم، احدی مسبوق نبود. او اطعمینان داشت من هم درست بودم. سپس کهال الملک در

همین رابطه تابلوهای را که در دربار ناصرالدین شاه کشیده نام می برد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می شود:

پرده ای کشیدم از بالای قصر صاحبقرانیه که منظره تمام تهران است
 صورت حاجی خازن الملک مرحوم
 حوض خانه سلطنت آباد
 صورت عمه طرب
 صورت ناصرالدین شاه دو سه تا)، چند صورت سایرین از شاه کشیده اند و من تراشیده و صورت را دوباره ساختم.
 آخرین پرده دوره ناصرالدین شاه تابلوی اطاق آیین و تخت طاووس است که پنج سال سر آن کار کرده ام که دو سه ماه قبل از کشته شدن شاه تمام شد
 کمال الملک که مانند نقاش باشی های قبل از خود به ناصرالدین شاه نقاشی نیز می آموخت، راجع به نقاشی ناصرالدین شاه چنین تقریر کرده است:

ناصرالدین شاه نقاشی می دانست، من پیش خدمت بودم، نقاش باشی بودم، معلم شاه هم بودم، ناصرالدین شاه پرده می ساخت، صورت اعتمادالسلطنه را شاه ساخته بود، خیلی شبیه بود. همچنین محمدعلی کریمزاده تبریزی در کتاب احوال و آثار نقاشان قدیم ایران به شرح حال ناصرالدین شاه تحت عنوان یکی از نقاشان دوره قاجار پرداخته که ذیلاً قسمت هایی از آن درج می شود:
 «در یکی از محاوره های خصوصی امیرکبیر با ناصرالدین شاه قاجار که به منزله بازجویی معلم از شاگرد می باشد. امیر گفت: آقا جان چه می کردی؟ شاه جواب می دهد، مشغول نقاشی بودم. امیر می گوید، کاشکی یک قدری تاریخ گذشتگان می خواندی و عبرت می گرفتی و از آئین جهانداری با خبر می شدی، شعر و نقاشی پس از خستگی دماغ خوب است...

... یکی از روزهایی که شاه در اندرون نقاشی می‌کرد و صورت غلام بچه‌ها را می‌ساخت، سلطان خانم رقاصه جهان خانم وارد شد. مهدعلیا، سلطان خانم را به آقای علی اکبر تارزن سپرده بود که ساز مشق کند، شاه هم با او نظر بازی می‌کرد، همین که چشمش به رقاصه افتاد، گفت بیا به بینم چه یاد گرفته‌ای، سلطان خانم با گستاخی گفت به بینم شما از استادان چه یاد گرفته‌اید، شاه صورت‌هایی را که ساخته بود نشان داد و فرمود بیا صورت تو را هم بسازم اما باید لخت شوی، رقاصه تحاشی کرد و گفت اگر شما نقاش خوبی هستید اول صورت آن یارو را که می‌خواهد شاه بشود بسازید، شاه گفت کدام یارو، رقاصه گفت، میرزا تقی خان...

محمدعلی فروغی نیز تحت عنوان نقاشی ناصرالدین شاه چنین می‌نویسد:

وقتی ناصرالدین شاه برای مشغولیات هوس کرد خود نقاشی کند، پرده‌ای از آب و درخت و سبزه کشید و آن پرده باید اکنون در عمارات سلطنتی باشد. آن اوقات شبی کهال‌الملک حکایت کرد که امروز شاه مشغول نقاشی بود و دماغ داشت و با من مزاح و دهنما ملاطفت می‌کرد از جمله گفت حالا دیگر من خود نقاشم و به تو اعتنائی ندارم. من گفتم چه فرمایشی است و من به موجب فرمان همایونی نقاشباشیم و همه نقاشها زیر دست من اند. حالا که شما هم نقاش شده‌اید از اتباع من محسوب می‌شوید. چگونه می‌توانید به من بی‌اعتنائی بکنید

دوستعلی خان معیرالملک نیز تحت عنوان عادات ناصرالدین شاه، راجع به نقاشیهای وی مطالبی نقل می‌کند که ذیلا در چند پاراگراف ارائه می‌گردد:

شاه به نقاشی رغبتی بسزا داشت و نقش پردازان را تشویق مینمود خود نیز دارای قلمی محکم و شیرین بود شبیه سازی را بامداد سیاه قلم نیک از عهده بر می‌آمد روزی شاه در دیوانخانه تفرج مینمود و کهال‌الملک معروف که بدستور او بعضی پرده می‌ساخت در گوشه‌ای اشتغال به نقاشی داشت، شاه نزد او آمده به تماشای استاد و چون پرده کوچک ساده‌ای آماده کار در کنار بساط وی دید هوس نمود که

استعداد خویش را بیاموزد و در دم قلم بدست گرفته در ظرف یک ساعت دورنمایی فکری از کوه و نهر آب و تک درختی بپرداخت که برای تغنن سلطان در اندک زمانی خوب بود. پرده مزبور را برای امین السلطان که هنوز بصدارت نرسیده بود فرستاد و سالها بدیوار کتابخانه پاركش که اکنون سفارت روس است آویخته بود

کریم زاده تبریزی نیز از قول معیرالممالک چنین نقل می کنند:

شاه علاوه بر تغنن در کامرانی، گاهی خود را به نقاشی مشغول می فرمود و چون صنعت رنگ آمیزی و تناسب اجسام و علم مناظر و مرابا و نهایت قرب و بعد نیاموخته بود، دورنها را بد می ساخت متملقین خلوت پادشاهی چندان در تحسین مبالغه می کردند که شاه صفحه نقاشی خود را معجزه می پنداشت. «..... شاه جوان از ده سالگی عاشق هنرهای زیبا و به شعر و نقاشی علاقه مند شده و از خدمت چندین استاد استفاده کرده و این ایام نزد میرزا ابوالحسن خان غفاری تعلیم می گرفت و در بیرون و اندرون، هر وقت که شوق هنرهای زیبا به سرش می افتاد، شعر می گفت و نقاشی می کرد. در بیرون صورت وزراء و درباریان و سفرا را می کشید و در اندرون شبیه خانمها و کنیزان و خواجه سرایان را می ساخت که همه در نهایت شباهت بودند، و زیر هر کدام یک جمله مناسب اوضاع و احوال آن شخص و یا شعری یادداشت می کرد. مثلا زیر صورت میرزا یوسف مستوفی الممالک نوشته بود: (درویش است و شاهد باز). زیر صورت سامی افندی سفیر عثمانی نوشته: (ترک و حدیث دوستی قصه آب و آتش است) زیر صورت گلین خانم [اولین همسر عقدی او] نوشته بود: (گویند دهان غنچه است اما نه به تنگی دهانت) زیر صورت باری که مال الملک علاوه بر تحصیل و نگارگری روزی چند ساعت شاه مغرور را زیر دست خود نشانده و به او تعلیم نقاشی می داد. زیرا ناصرالدین شاه به نقاشی و عکاسی بسیار علاقه مند بود، شعر هم می سرود و گاه در حاشیه نوشته ها و یادداشت های متفرقه خود تصویری مثلا از شکاری که کرده یا شبیه کسی را که ملاقات کرده نقاشی می کرده است. چنانچه از قول میرزا حسین صاحب اختیار چنین نقل شده است:

خودم ایستاده بودم که اعتمادالسلطنه آمد به شاه عرض کرد، صورت میرزا تقی خان را می خواهی در تاریخ سلطنت اعلیحضرت ثبت کنیم و نداریم، شاه گفت، صورت او در نظرم هست. قلم آوردند و خود شاه طرحی تهیه کرد. این طرح مأخذ همان صورتی است که در مرآت‌البلدن نقش شده است. همان طور که در سطور پیشین اشاره شد، در میان وظایف نقاش‌باشی، یکی هم تعلیم هنر نقاشی به شاه بود، این مسئولیت در سراسر دوره قاجار ادامه داشت و در دوره ناصرالدین شاه نقاش‌باشی‌ها و معلمان نقاشی دارالفنون همچون صنایع‌الملک، مزین‌الدوله، اسماعیل جلایر و کمال‌الملک این وظیفه و مسئولیت را بر عهده داشتند. چنانچه یحیی ذکا در مورد نقاشی آموختن ناصرالدین شاه از ابوالحسن خان صنایع‌الملک چنین می‌نویسد:

شاه . . . عکاسی می‌کرد، شعر می‌سرود و خطاطی می‌کرد و پیشتر هم اندکی نقاشی آموخته بود، هوس کرد که خود نیز نقاشی و طراحی را دوباره فراگیرد و برای این کار ابوالحسن خان را به معلمی خود برگزید و مدتی زیر دست او به آموختن دقایق طراحی و آبرنگ سازی پرداخت و در این کار تا حدی به پیشرفت‌هایی نائل آمد. از نمونه نقاشی‌های او که در کتابخانه کاخ گلستان و در دست اشخاص موجود است، تأثیر شیوه نقاشی ابوالحسن خان بخوبی پیداست و از جمله آنها آبرنگی است با تاریخ ۱۲۷۵ که چند دختر جوان را با جامه‌های فرنگی و دامن‌های پرچین و بلند در کنار آبشاری و تپه‌ای به حال نشسته یا بالا رفتن از تخته سنگ‌های کنار آبشار نشان می‌دهد. در این تصویر در نمایش صورت‌ها و دست‌ها و جامه‌ها، دید و طرز قلم‌زنی استادش ابوالحسن خان به طور محسوس نمودار است و تعلیم بیا متن او را از این استاد بخوبی تأیید می‌کند.

در این رابطه حکیم پولاک نیز در سفرنامه خود چنین می‌نویسد: خود شاه خوب طراحی می‌کند، لاقلاً خیلی بهتر از اغلب هنرمندان دیگر ایرانی، وی یک نفر را با سمت «نقاشی‌باشی» در خدمت دارد که اغلب به وی دستور می‌دهد شبیه او را بکشد. اما چون حوصله زیاد نشستن و مدل شدن را ندارد معمولاً آن قدر صبر می‌کند تا نقاش کشیدن سبیل او را به اتهام برساند و بعد خود به تنهایی صورت را

کامل کند. به صورت نیم تنه، همیشه مجسمه نیم تنه نیکلای اول را کپی می کنند که مورد توجه خاص قرار دارد. یک نقاش روسی دیگر هم که از اهالی قفقاز است به همین صورت در دربار مشغول است خود ناصرالدین شاه نیز در خاطرات فرنگستان خویش هنگام توقف در انگلستان و ملاقات با ماثور طالبوت چنین می نویسد:

... می خواستیم ناهار بخوریم، طولوزان آمد، عرض کرد که ماثور طالبوت، دوپسر و یک دخترش را آورده است. می خواهد حضور بیاورد، گفتم بیایند، آمدند، دو پسر داشت به سن هفت و هشت سال، چندان خوشگل نبودند، دخترش خودش می گفت چهار سال دارد، اما به نظر هفت سال می آمد، خیلی دختر ملوس، مقبول، قشنگ و با مزه بود، موهای زردبافته چشمهای کبود، خیلی شیطان و با مزه خنده رو بود، بقدری خوب بود که از این بهتر نمی شود، با او صحبت کردیم، بعد ماثور طالبوت کتابی داد و خواش کرد صورت دختر او را در کتاب بکشیم، من هم شروع کردم، نیم ساعت طول کشید، ماثور دخترش را نگاه داشته بود تکان نخورد، با وجود این خیلی تکان می خورد و درست نمی ایستاد، اما شبیه و خوب کشیدم، آنها رفتند و ناهار خوردیم.

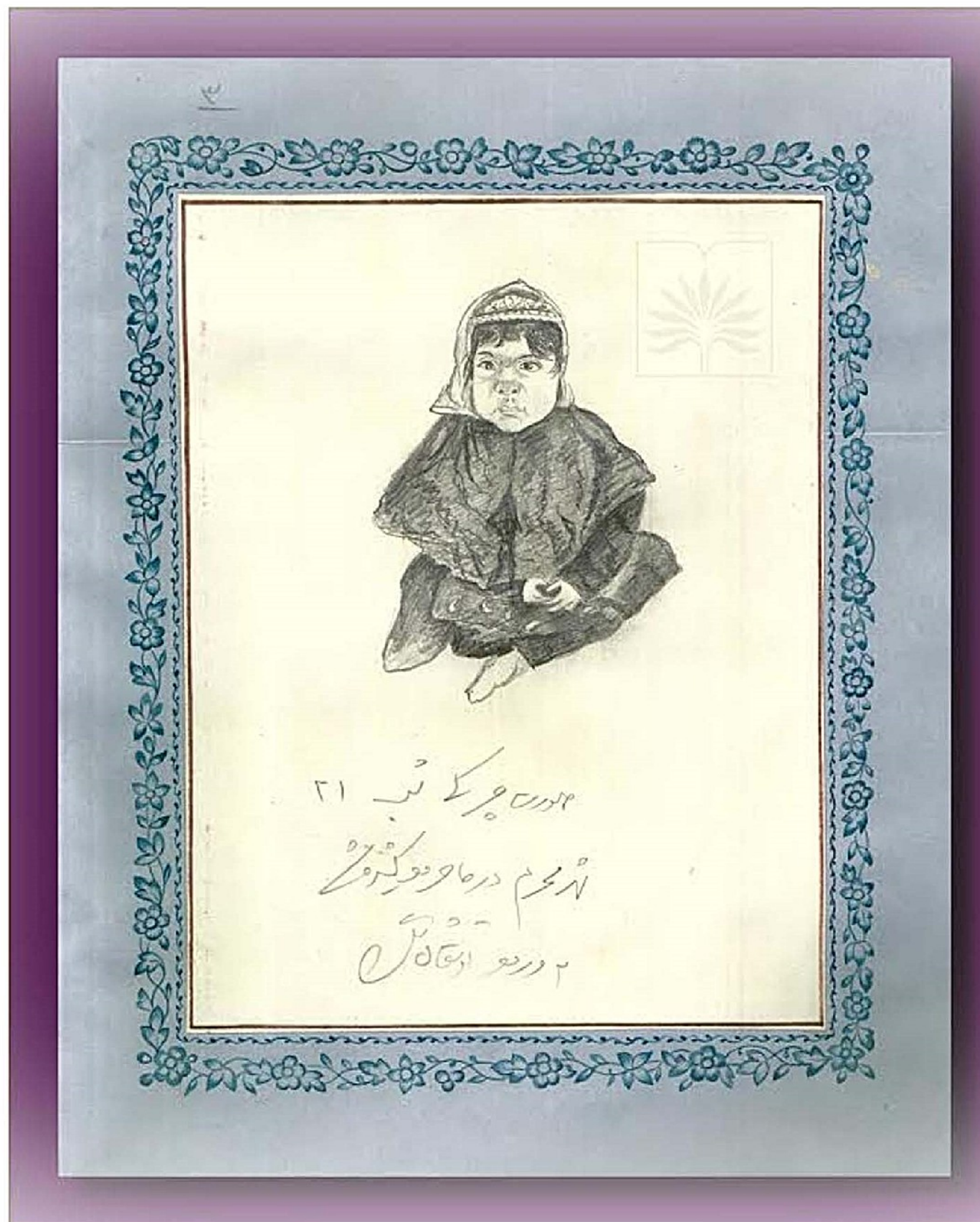
اعتماد السلطنه هم در خاطرات روز چهارشنبه ۱۵ جمادی الثانیه ۱۳۰۲ قمری چنین می نویسد: شاه به ملاحظه اینکه ۱۳ عید است دوشان تپه تشریف بردند، من نرفتم ... خلاصه عصر که شاه مراجعت فرمودند، از محاذی قهوه خانه بربر آباد عبور فرمودند، صاحب قهوه خانه بعضی تصاویر خیالی نقاشی کرده، من جمله مجلس سلام با تخت سلیمان و بلقیس و مجلس رقص و غیره، از این قبیل تصاویر بی معنی در قهوه خانه گذاشته بود که مردم تماشا نهانند. ندانستم شاه در چه خیال به کنت فرمودند که پرده ها را پاره کند. کنت هم شمشیر خود را کشیده بود، سواره داخل قهوه خانه شده با شمشیر پرده ها را پاره کرد.

بنا بر این آنچه از موارد مذکور در فوق بر می آید و همین طور با نقاشیهای که از ناصرالدین شاه بجای مانده، می توان گفت که علاوه بر اینکه ناصرالدین شاه به هنر نقاشی علاقه مند بوده، نسبت به تأسیس مراکز آموزش نقاشی و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای هنرمندان درباری توجه خاص داشته، ضمن اینکه خود نیز ازین هنر بی بهره نبوده است.

ذیلاً چند نمونه از نقاشیهای ناصرالدین شاه که ۷ قطعه اول برگرفته از کاخ موزه گلستان و قطعه آخر از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است، از نظر مطالعه کنندگان گرامی می گذرد.

بر اساس مطلب: فاطمه قاضیپرها، نقاشیهای ناصرالدین شاه، مجله: بخارا- مهر- دی ۱۳۹۱- شماره ۹۰- ۸۹ (۱۷ صفحه- از ۴۵۲ تا ۴۶۸)

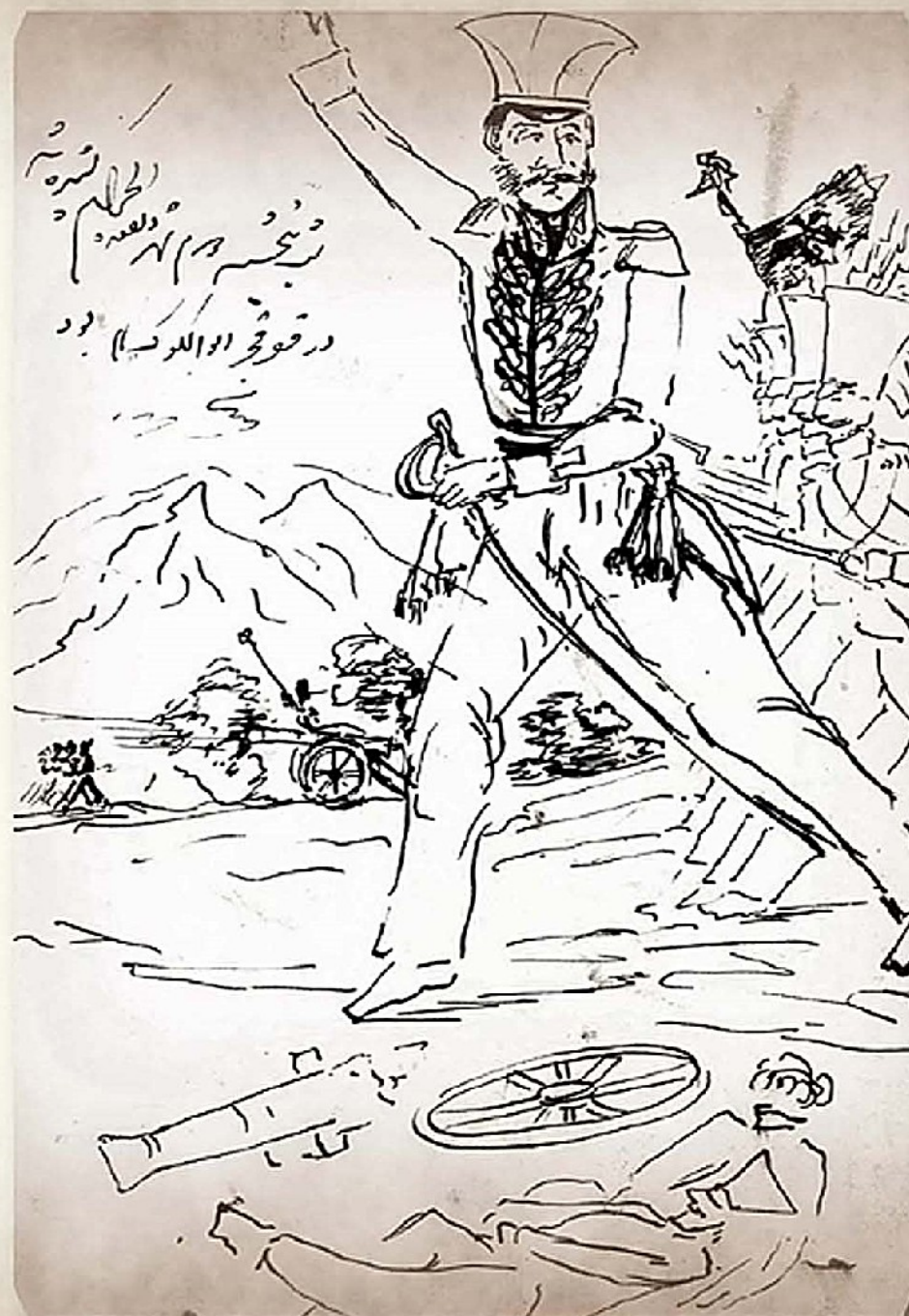
این کتابچه بصورت نشر الکترونیک در فضای مجازی برای استفاده علاقه مندان تاریخ و هنر ایران بصورت رایگان نشر شده است. استفاده و بهره گیری از آن منوط به ذکر نام محقق و بنده میباشد.



تصویر یک دختر بچه که ناصرالدین شاه لقب چرکی به او داده بود.
 دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه: صورت چرکی شب ۲۱ شهر محرم
 در جاجرود کشیده شد ۲ ورودتو شقان نیل



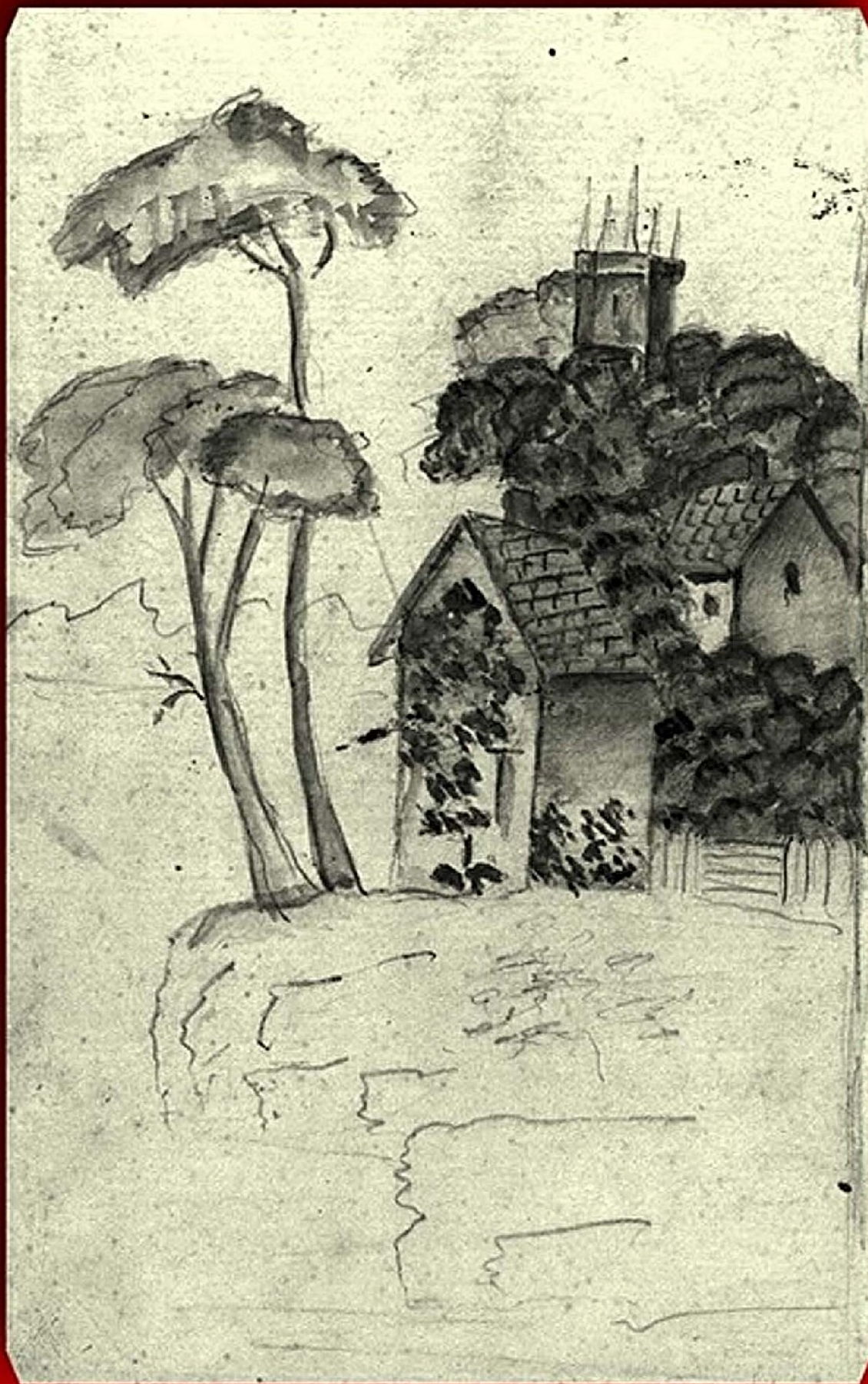
طراحی ناصرالدین شاه ، از شیرازی کوچکه یکی از سوگلی هایش
 دستخط ناصرالدین شاه ذیل تصویر به خط فرانسه chirasi petit [شیرازی کوچکه]
 محل نگهداری: آرشیو اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، اسناد بیوتات

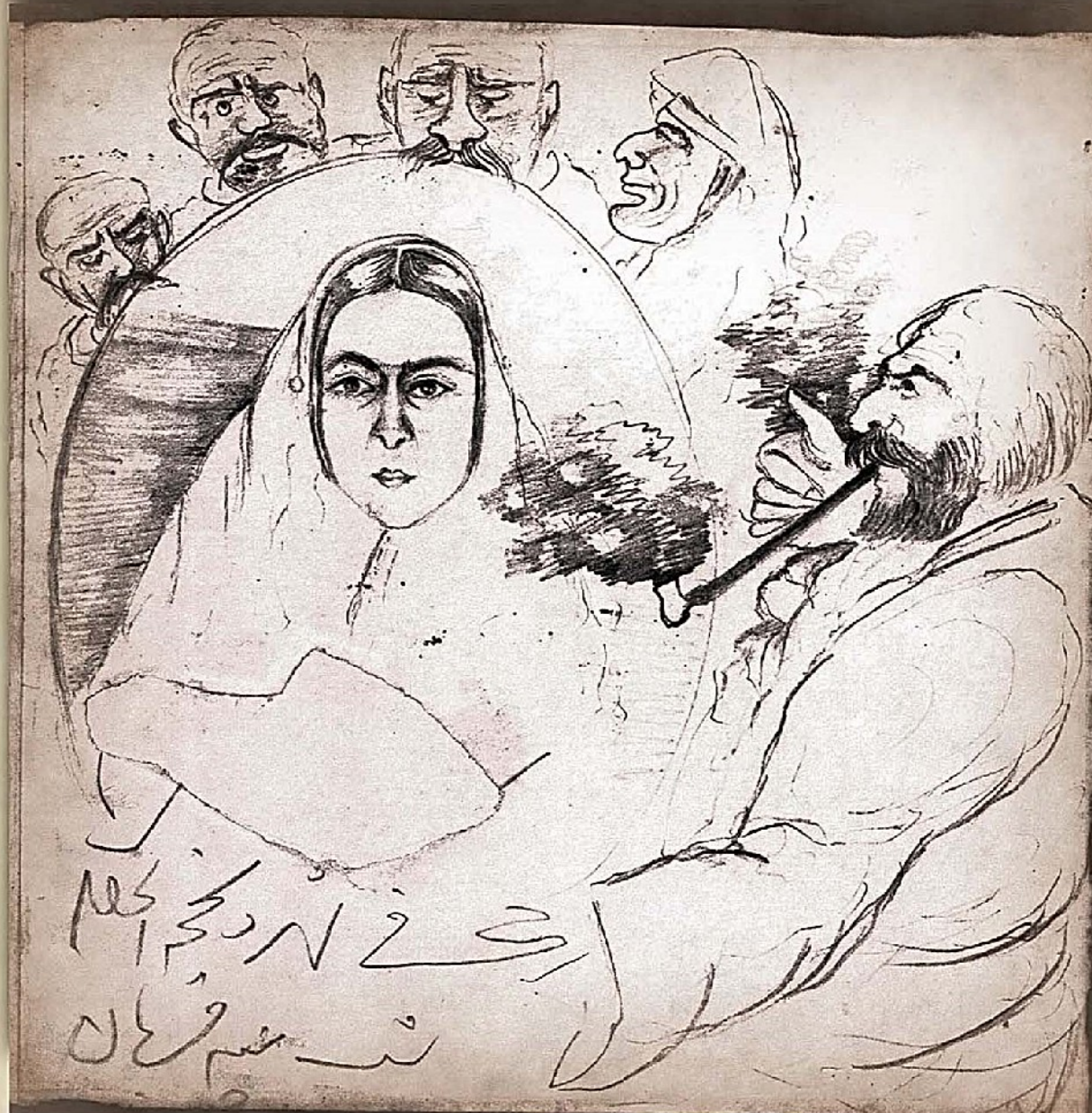


طراحی از یک صحنه جنگی در کوهستان با ارابه و توپ و سرباز که شخصی که احتمالاً افسری ارشد و فاتح است از همه بزرگتر ترسیم شده است. دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه نقاشی: شب پنجشنبه دویم شهر ذیقعده الحرام کشیده شد در قصر قجر، ابوالملوک [کیومرث میرزا] هم بود



pdf.tarikhema.org





تصویر نیم تنه زنی زیبا که ظاهراً درون قاب قرار دارد و سرهای مرد به دور آن کشیده شده و نیم

تنه مردی با چپق دود کرده در کنار زن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه تصویر: فی شهر ذیحجه الحرام [کشیده شد] عید قربان.



یک بانوی فردگی در اطاقی مجلل، کنار میز چای با سه‌پا و یک فنجان چای در دستش،
با کلاهی در سر و لباسی فاخر، این طراحی احتمالا کپی است.





ناصرالدین شاه پس از کشیدن این نقاشی در حاشیه آن نوشته است:
«شبهه نوروز علی بیگ پیش خدمت ایام ولیعهدی ماست.»



ناصرالدین شاه پس از کشیدن نقاشی همسر وزیر مختار روس (نفر بالا سمت چپ) نوشته: «زن دالغوروکی است، وزیر مختار روس است. او درباره نقاشی نفر بالا سمت راست هم نوشته: «شبیه غلامحسین خان است.»»

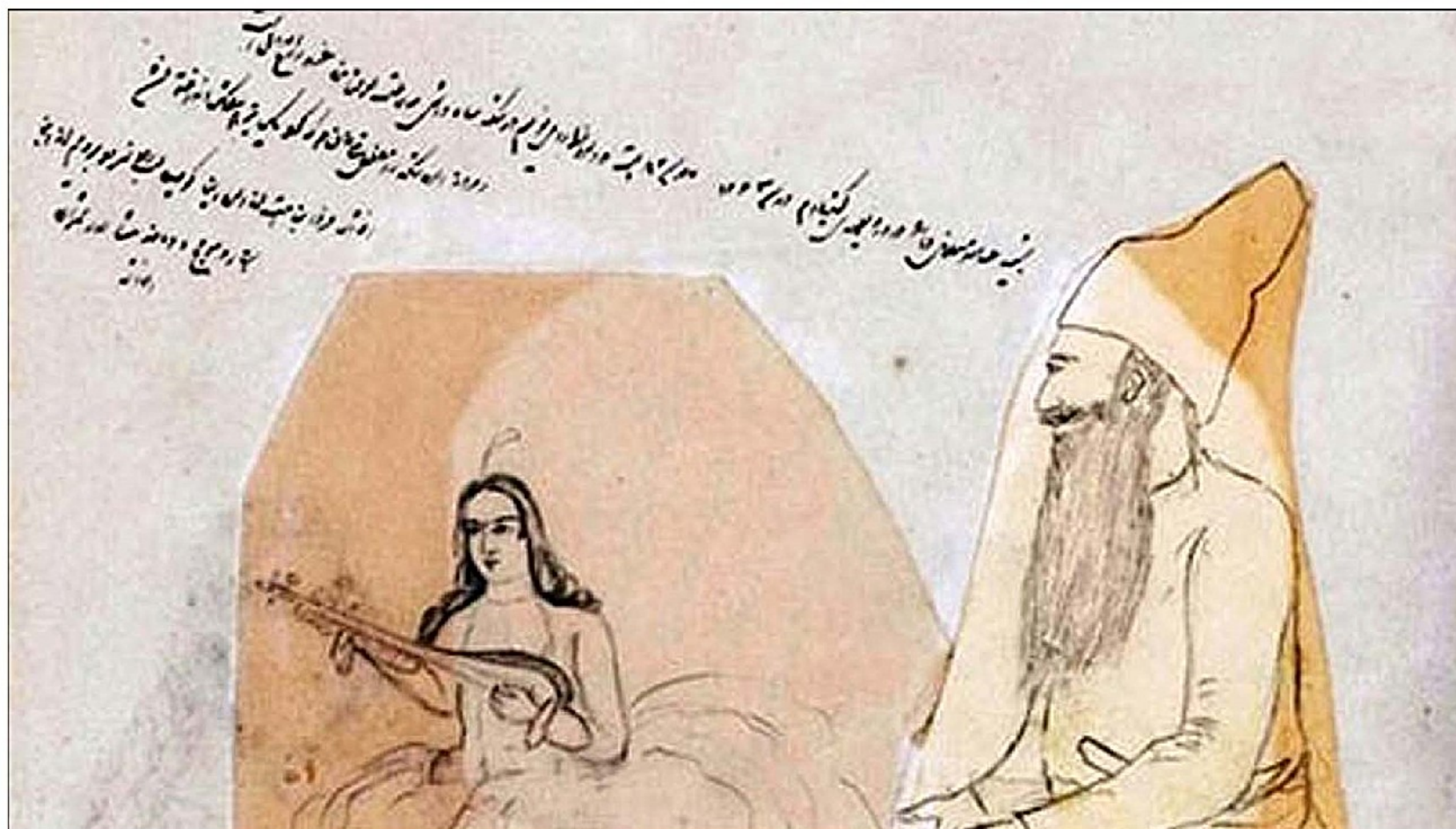


ناصرالدین شاه درباره این تصویر به خط خود نوشته است:
 «شبیه ندیم السلطنه است اول دولت کشیده شد.

این شکل را روز ۲۳ شهر جمادی الاول ۱۳۱۱ نیلان نیل، قوس در بالاخانه دوشان تپه کشیدیم.
 چند روز بود در شهر نوبه می کردم. از بواسیر هم خون آمد. حالا هم می آید.
 دیروز از شهر فرار را به دوشان تپه آمدیم که هوا خوری بشود، انشاالله احوالها خوب شود.»



ناصرالدین شاه پس از کشیدن این نقاشی در حاشیه آن نوشته است:
 «۱۳۶۵، جیران هم بود، خاتون جان هم بود، غلامحسین خان هم تازه
 از عزای مادرش آمده بود با شال خلعنی کشیده.»

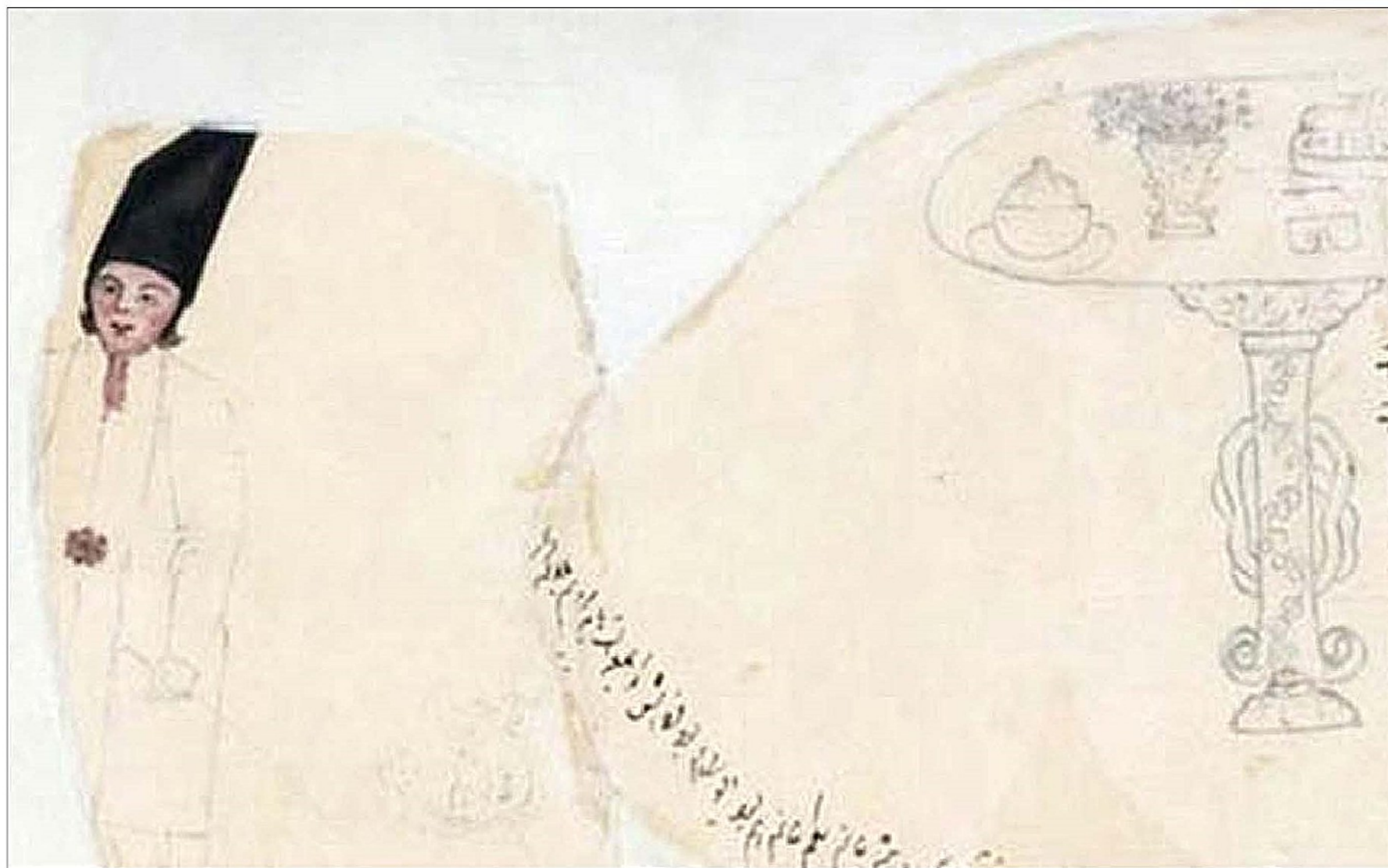


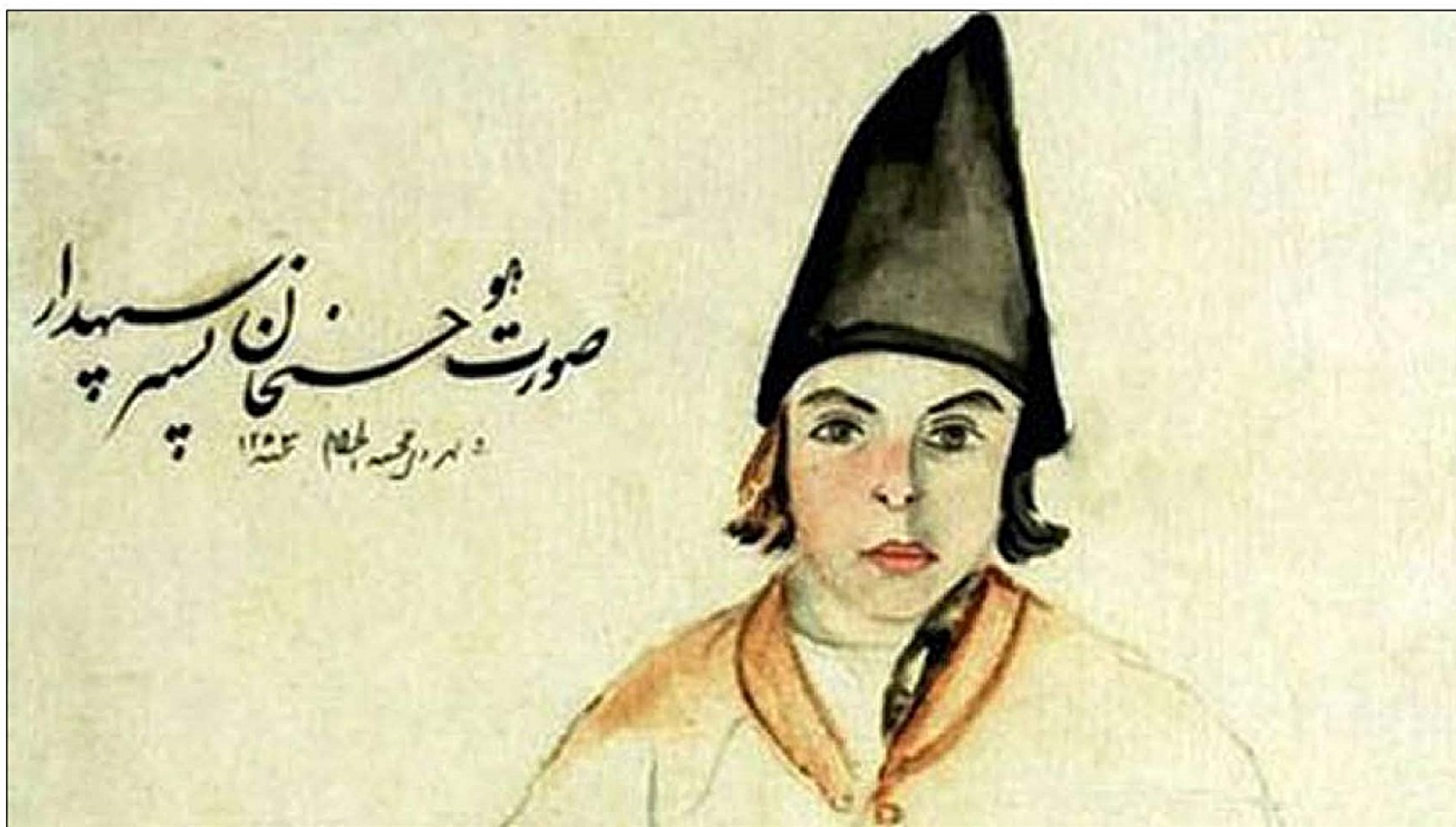
ناصرالدین شاه در حاشیه این نقاشی خود نوشته:
 «شبهه میرزای والا که در ولیعهدی کشیدم در سنه ۱۳۶۳، حالا ۱۲۸۳ است
 که این خط را می نویسم در تنگه شاه و اشی سه ساعت به غروب مانده غره ربیع الاول است.»



از جمله نقاشی‌های ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۳. او این باریک زن فرنگی را نقاشی کرده است.













این نقاشی حاوی محوطه سرسبزی است که اردوی شاهی چادر زده و اطراق کرده اند در این نقاشی درخت ، کوه ،
 نهر آب ، اسب ، آدم و غیره دیده می شود .



محمد علی فروغی تحت عنوان این نقاشی ناصرالدین شاه چنین می نویسد:

وقتی ناصرالدین شاه برای مشغولیات هوس کرد خود نقاشی کند، پرده‌ای از آب و درخت و سبزه کشید و آن پرده باید اکنون در عمارات سلطنتی باشد. آن اوقات شبی کهال‌الملک حکایت کرد که امروز شاه مشغول نقاشی بود و دماغ داشت و با من مزاح و ضمنا ملاطفت می کرد از جمله گفت حالا دیگر من خود نقاشم و به تو اعتنایی ندارم. من گفتم چه فرمایشی است و من به موجب فرمان همایونی نقاشباشیم و همه نقاشها زیر دست من اند. حالا که شما هم نقاش شده‌اید از اتباع من محسوب می شوید. چگونه می توانید به من بی اعتنائی بکنید.

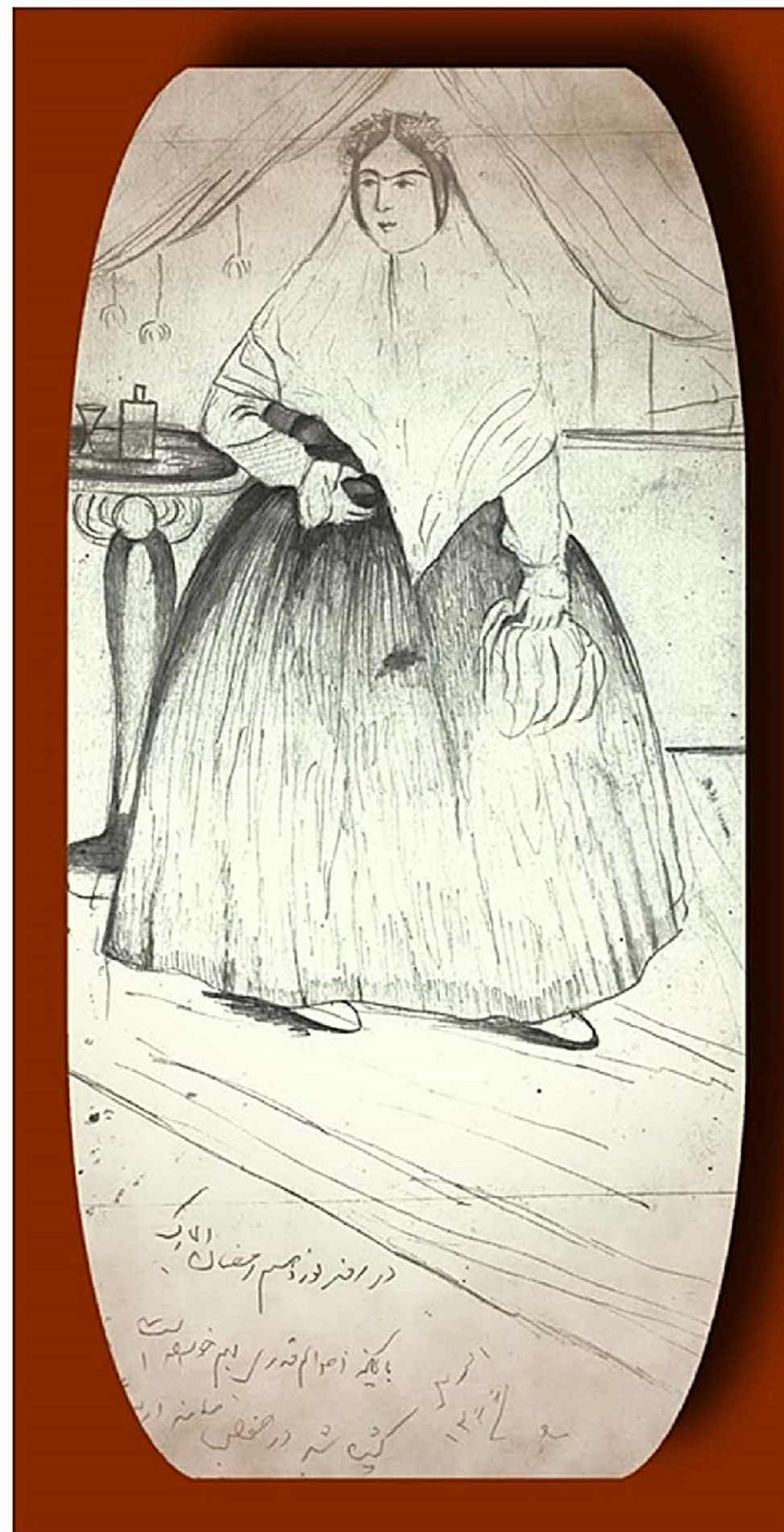
از قصه‌ها که گمان می کنم هیچکس نداند این است که شبی کهال‌الملک برای پدرم حکایت کرد که امروز من در حضور شاه تنها بودم و صحبت از نقاشی می کرد. ضمنا از تقاضاهای رجال دولت از جهت مناصب و امتیازات و نشان و غیرها عصبانی بود. قلم آهنی و کاغذ گرفت و با مرکب جوهر صورت مردی ساخت که جبهه مرصع و نشان و حمایل و تهمال و عصای مرصع و هر قسم امتیازی گرفته چنانکه تمام بدنش از این امتیازات پر بود و باز امتیاز خواسته و شمشیر مرصعی گرفته و چون دیگر جانی در بدنش باقی نمانده شمشیر را به ... خود فرو برده است و آن تصویر را کهال‌الملک همراه داشت و به ما نشان داد.»



تصویر نوجوانی زیبا رو، در حالت نشسته با بالاپوشی یقه دار و کلاهی بر سر به
 طوریکه موهایش تاندیک شانه از کلاه بیرون آمده و دستها را در هم گره کرده است. این
 نقاشی را ناصرالدین میرزای ولیعهد در اواخر ولیعهدی اش کشیده است. دستخط وی در
 حاشیه نقاشی: هو صورت حسن خان پسر سپهدار فی شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۶۳

تصویر یکی از زنان زیبای دربار ناصرالدین شاه ، در اطاق مجملی کنار میز کوچک ایستاده ، روسری بزرگی به سر دارد ، بطوریکه مقداری از موهایش پیداست ، فرق سرش راست و در طرفین موها گل زده است دامن بلند و پوشیده که زیر آن زیپون است . در هر دو دستش چیزهایی قرار دارد که احتمالاً دست راست بادبزن است .

دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه نقاشی : "در روز نوزدهم رمضان المبارک با اینکه احوال قدری بهم خورده است کشیده شد در حوض خانه در سه ساعت سه دقیقه کم به غروب مانده است ایت نیل سنه ۱۳۶۶."

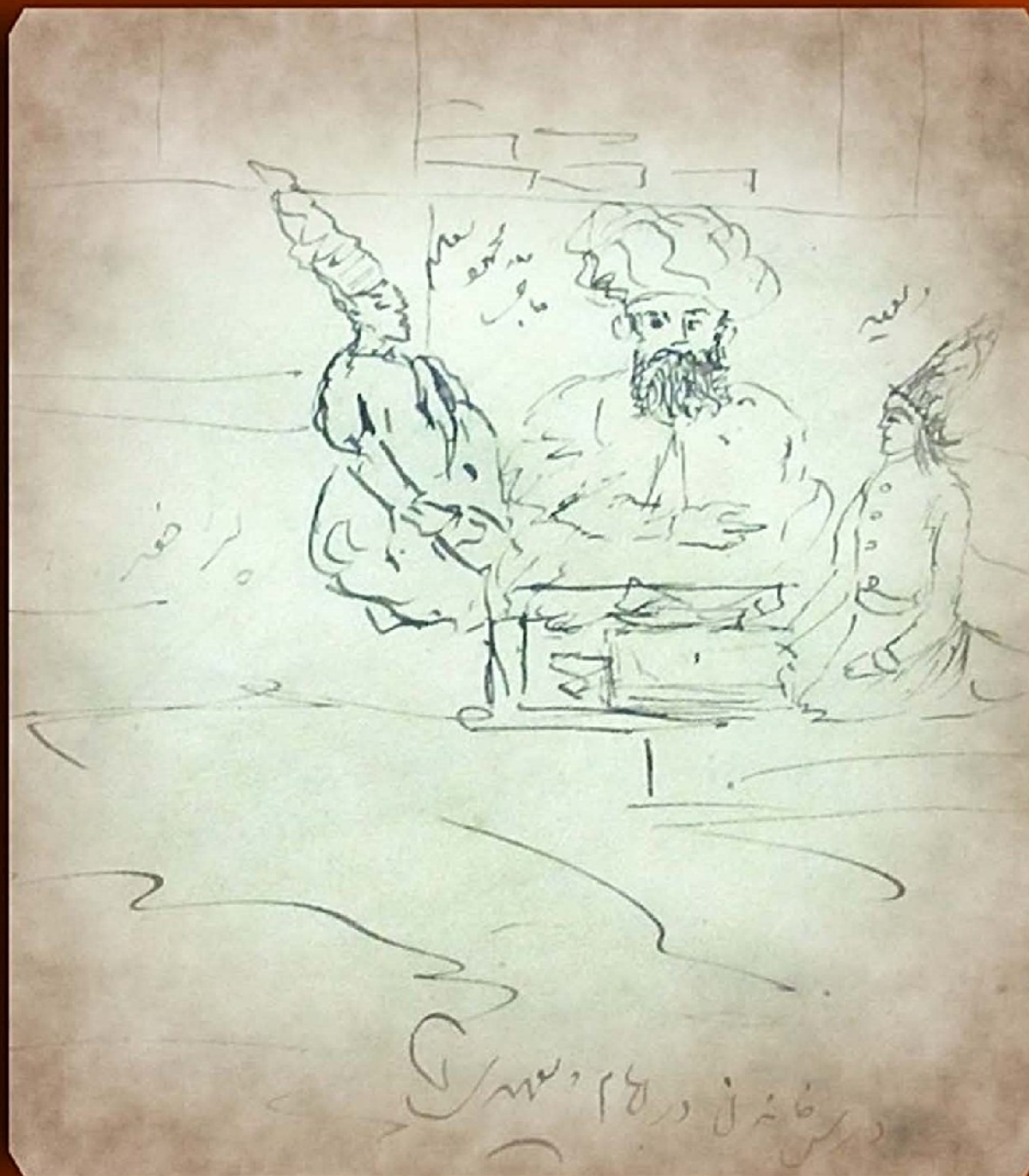




نقاشی از چهره خود در آینه در کاخ نیاوران بوقت استراحت شکار روز چهارشنبه ۱۲ شهریور محرم



شمس الدین شاه در حاشیه این نقاشی خود نوشته است:
 «در فیروزکوه مشق شد. روز ۴ شنبه ۱۷ شهریور ذیحجه...
 امروز کاغذ زیادی خوانده و نوشته شد. هوا مه است و سرد.»



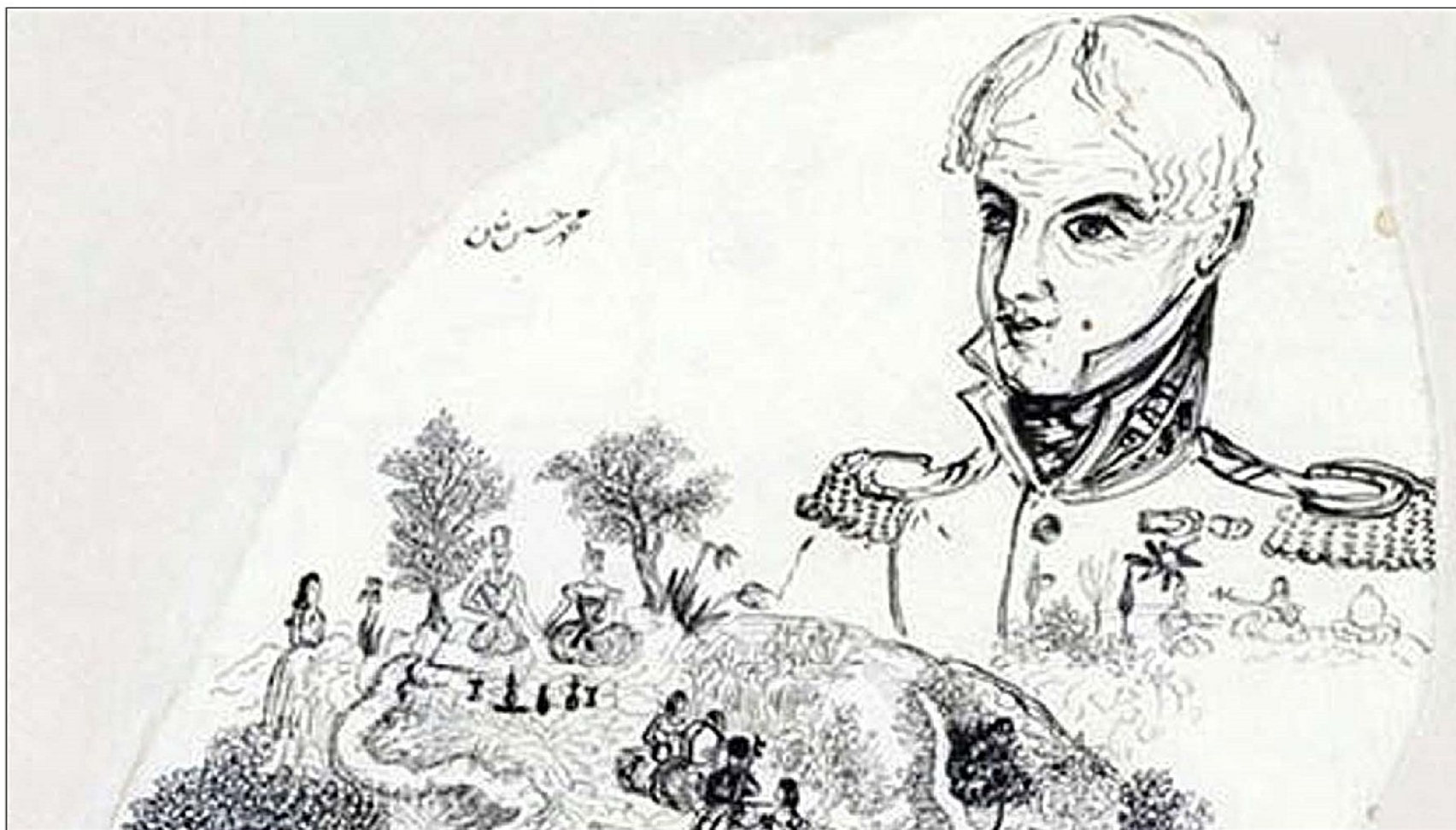
دستخط ناصرالدین شاه ذیل تصویر: درس خواندن

در ایام ولیعهدی ماست دستخط ناصرالدین شاه :

[نفر سمت راست] : ولیعهد، [نفر وسط] : حاج ملا

محمود معلم، [نفر سمت چپ] : میراخور.









ناصرالدین شاه در حرم سرا به همراه انیس الدوله و عالییه خانم



از نهایشگاه مجازی
آثار نقاشی پاپ آرت . کاریکاتور و موشن
"علی مریخی"
در اینستا و تلگرام بازدید کنید

@ alimerikhi@yahoo.com

@alimerikhi

p/BQbmKxVgUol

09126170187

pdf.tarikhema.org